

**گروه سینما و تلویزیون** - مهدویان سراغ ساخت آثار جنجالی رفت. «ایستاده در غبار» شرح زندگی محمد متوسلیان از سرداران سپاه، «ماجرای نیمروز» درباره‌ی شروع اختلاف مجاهدین و اشتقاق آن‌ها و عملیات مرصاد و حتی «الازی»

که شرح قاچاق دختران ایرانی به دوی بوده، با آتش‌های متفاوتی مواجه شد. سریال «زخم کاری» فعلا بی‌حاشیه‌ترین اثر محمدحسین مهدویان محسوب می‌شود اما این بی‌حاشیبه بودن باعث نشده که سریال بی‌تأثیری بسازد.



**زخم کاری**  
Mortal Wound

فیلم داستان مردی است که همه خان‌عمو صدایش می‌کنند و صاحب یک هولدینگ بین‌المللی است. پسر یکی از رفقای قدیمی‌اش به نام مالک دائم از موسیقی مطمئن شود که تنش برانگیخته شدن حسادت پسرش ناصر می‌شود. از آن طرف سمیرا همسر مالک عشق قدیمی خان‌عموست و مالک هم زمانی عاشق منصوره دختر خان‌عمو بوده است. سمیرا، مالک را تشویق می‌کند که حشش را از خان‌عمو بگیرد.

مهدویان همیشه در ساخت فیلم‌های بیگ‌پروداکشن و جمع کردن آثاری با صحنه‌های بزرگ و بودجه‌های زیاد استعداد داشته است. ممکن است تصور کنید خرج کردن پول زیاد و ساختن فیلم کار ساده‌ای است اما واقعیت این‌جاست که مدیریت ساخت فیلم‌های بیگ پروداکشن دشواری‌ها و پیچیدگی‌های زیادی دارد. سریال «زخم کاری» در ادامه آثار مهدویان بیگ پروداکشن محسوب می‌شود. سر و شکل سریال شبیه آثار سینمایی مهدویان است. لانگ‌شات‌های هادی بهروز که با کات‌های سجاد پهلوان زاده به کلوزآپ صورت بازیگران وصل می‌شوند، هیجان‌انگیز از کار درآمده. موسیقی حبیب خزایی‌فر برای سریال زیاد البته به نظر آن ملودری تعلیق‌برانگیز سازه‌های الکترونیک خوب روی صحنه‌ها نشسته است و به‌خصوص از همان ابتدای تیتراژ متوجه‌امان می‌کند که با تریلر هیجان‌انگیزی طرف هستیم اما مشککش این‌جاست که در حین

فیلم داستان مردی است که همه خان‌عمو صدایش می‌کنند و صاحب یک هولدینگ بین‌المللی است. پسر یکی از رفقای قدیمی‌اش به نام مالک دائم از موسیقی مطمئن شود که تنش برانگیخته شدن حسادت پسرش ناصر می‌شود. از آن طرف سمیرا همسر مالک عشق قدیمی خان‌عموست و مالک هم زمانی عاشق منصوره دختر خان‌عمو بوده است. سمیرا، مالک را تشویق می‌کند که حشش را از خان‌عمو بگیرد.

مهدویان همیشه در ساخت فیلم‌های بیگ‌پروداکشن و جمع کردن آثاری با صحنه‌های بزرگ و بودجه‌های زیاد استعداد داشته است. ممکن است تصور کنید خرج کردن پول زیاد و ساختن فیلم کار ساده‌ای است اما واقعیت این‌جاست که مدیریت ساخت فیلم‌های بیگ پروداکشن دشواری‌ها و پیچیدگی‌های زیادی دارد. سریال «زخم کاری» در ادامه آثار مهدویان بیگ پروداکشن محسوب می‌شود. سر و شکل سریال شبیه آثار سینمایی مهدویان است. لانگ‌شات‌های هادی بهروز که با کات‌های سجاد پهلوان زاده به کلوزآپ صورت بازیگران وصل می‌شوند، هیجان‌انگیز از کار درآمده. موسیقی حبیب خزایی‌فر برای سریال زیاد البته به نظر آن ملودری تعلیق‌برانگیز سازه‌های الکترونیک خوب روی صحنه‌ها نشسته است و به‌خصوص از همان ابتدای تیتراژ متوجه‌امان می‌کند که با تریلر هیجان‌انگیزی طرف هستیم اما مشککش این‌جاست که در حین

تا اینجا حتی جذاب‌تر از کتاب ظاهر شده

**سینما و تلویزیون**

بخشی از این جذابیت‌مدیون بازی جواد عزتی در نقش مالک (مکبث قصه) است و بار بیشتر را رعنا آزادی‌ور در نقش سمیرا، همسر مالک (لیدی مکبث) به دوش می‌کشد. کاری که رعنا آزادی‌ور می‌کند بین محصولات تصویری سال‌های اخیر چه در تلویزیون و چه در سینما کم سابقه بوده است. در سینما بازی‌هایی از هدیه نهرانی داشته‌ایم که به فم فتال (زن آغواگر)، بودن نزدیک می‌شد اما در سریال‌های تلویزیون با شبکه‌ی نمایش خانگی حتی نمونه‌ای نزدیک به این هم وجود نداشته.

شبیوه لب گزیدن آزادی‌ور، مدل آرایش مو و لباس پوشیدنش و آن زیرکی توأم با خشونتش از او یک فم فتال مدل ایرانی ساخته است. بعضی‌ها اطلاعات فم فتال به آزادی‌ور را زیاده‌روی می‌دانند اما هم بازیگری او و هم شخصیت‌پردازی‌اش از او یک زن آغواگر فرم‌گبار تمام‌عیار ساخته است. سکانس‌هایی که سمیرا از دست مالک عصبانی می‌شود و به او حمله می‌کند برانگیزاننده و عالی از کار درآمده‌اند. از آن طرف جواد عزتی هم در نقش مردی در همه‌ی این سال‌ها

شهرت جاه‌طلبی‌اش را سرکوب کرده و ناگهان حسن قدرت‌طلبی‌اش سرسر آورده اما همچنان هر از چند گاهی نقاط ضعفش سرسر برمی‌آوردند بازی

**قصه‌ی سریال اکتباسی از زمانی به نام «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد است. محمود حسینی‌زاد نویسنده و مترجم با «بیست زخم کاری» رمان نویسی در ژانر تریلر را امتحان کرده و البته به وضوح داستانش و سریال (همان‌طور که در تیتراژ هم ذکر می‌شود) از نمایشنامه‌ی «مکبث» و ویلیام شکسپیر الهام گرفته است.**

گرمی تو ذوق زنده‌ی سعید گنجیزیان است. بازی‌اش هم به نسبت ظرفت بازی دیگران بیش از حد روو عصبیتش گل‌درشت است. یک سری

**قصه‌ی سریال اکتباسی از زمانی به نام «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد است. محمود حسینی‌زاد نویسنده و مترجم با «بیست زخم کاری» رمان نویسی در ژانر تریلر را امتحان کرده و البته به وضوح داستانش و سریال (همان‌طور که در تیتراژ هم ذکر می‌شود) از نمایشنامه‌ی «مکبث» و ویلیام شکسپیر الهام گرفته است.**

نماهای کلوزآپ سریال هم با صدای بالای موسیقی بعد از مدتی تماشاگر را آزار می‌دهد و دست کارگردان برایتان رو می‌شود که می‌خواهد چه تأثیری رویشان بگذارد. حجم صحنه‌گاری که بازیگران فیلم در صحنایت دود می‌کنند آدم را یاد فیلم‌های کلاسیک هالیوود می‌اندازد و به نظر می‌رسد راه‌حل دیگری برای پر کردن اکت‌های شخصیت‌ناشناخته‌اند.

**جمع‌بندی**  
در کل اگر اهل سریال ایرانی دیدن هستید «زخم کاری» گزینه‌ی مناسب این روزهاست. اگر سریال

**«زخم کاری» گزینه‌ای مناسب برای سریال‌بینی در این روزها**

محمدحسین مهدویان کارگردان بااستعداد نسل جدید سینمای ایران است که از سال ۱۳۹۴ با فیلم «ایستاده در غبار» وارد سینما شد و بلافاصله توانایی‌های فنی او نظرها را جلب کرد.

«می‌خواهم زنده بمانم» در توازن برای رضای نگهداشتن مخاطبان سریال‌های هیجان‌انگیز و عاشقانه بود، «زخم کاری» با جنبه‌ی فقط تریلرگونه‌اش راه جدیدی می‌رود. به لحاظ ساختاری و فنی سریال امتیاز قابل قبولی می‌گیرد. به‌لحاظ قصه در کمال تعجب و برخلاف بقیه‌ی کارهای مهدویان تا این‌جا حتی از بخش فنی آن هم جلوتر است و البته به‌نظم بهترین قسمتش بازی‌های سریال و شخصیت‌پردازی است.

وسط قصه‌های معمولی و درام‌های طبقه‌ی متوسط تماشای‌جنون قدرت آدم‌ها و اینکه چطور کار دستشان می‌دهد، اینکه چطور قدرت آن‌ها را از حالت عادی‌شان خارج می‌کنند و تبدیل به موجوداتی می‌شوند. به‌تجدیب تجربه‌ی دوست‌داشتنی و جالب است. اگر «زخم کاری» این رویکرد را ادیکالش را به‌خصوص درباره‌ی کاراکترهای زنش حفظ کند و ریتم قصه به خوبی همین چهار قسمت پیش برود، می‌تواند جزء سریال‌های مهم و برجسته‌ای باشد که در شبکه‌ی نمایش خانگی تولید شده.

**گروه سینما و تلویزیون**

۲۰۱۰ میلادی یکی از جذاب‌ترین دهه‌های تاریخ سینما است و فیلم‌های دیدنی متعددی دارد. آغاز قرن بیست و یکم سینما را وارد دوران جدیدی کرد. روزهایی که سینما با کمک نفوذ بیشتر فناوری موفق شد تا جذابیت بیشتری پیدا کند و به همین دلیل عناوین خیره‌کننده‌ای از راه‌رسیدند که تماشاگران را بیشتر از قبل تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این میان دهه دوم قرن بیست و یکم که سال‌های دهه ۲۰۱۰ میلادی را شامل می‌شود هم جذابیت بیشتری دارد. بنابراین فرصتی فراهم نشده تا بهترین فیلم‌های دهه ۲۰۱۰ میلادی را مرور کنیم.

**خرخوان**

**نمره منتقدان: ۱۹۷: ۱۰۰**

بسیاری از منتقدان اعتقاد دارند «خرخوان» نه تنها بهترین فیلم کمدی سال ۲۰۱۹ است بلکه یکی از بهترین فیلم‌های کمدی دهه ۲۰۱۰ میلادی هم لقب می‌گیرد. با فیلم‌نامه‌ای جذاب و خیره‌کننده که ایده‌های بسیاری برای سرگرم کردن تماشاگر دارد، «خرخوان» از بازی‌های جذاب‌بهره می‌برد که با شخصیت‌پردازی بی‌نظیر داستان حتی کامل‌تر هم می‌شود. این فیلم که از سرویس استریم نتفلیکس منتشر شده را هر چه زودتر تماشا کنید. **خلاصه داستان:** دو دختر دبیرستانی که همیشه درس‌خوان و منظم بوده‌اند در آستانه فارغ‌التحصیلی از دبیرستان هستند. در آخرین روزهای مدرسه و با نزدیک شدن به پایان همیشگی دوران حضورشان در دبیرستان، تصمیم می‌گیرند تا قوانین خودساخته‌ی خودشان را زیر پا بگذارند. آن‌ها در مهمانی‌ها شرکت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند همه‌ی چندسال درس‌خواندن را تلاقی کنند. **دفترچه‌امیدبخش**

**نمره منتقدان: ۱۹۳: ۱۰۰**

به عنوان یک کمدی درام دوست‌داشتنی، این فیلم همه آن‌چه تماشاگر نیاز دارد را تسارک دیده است. از بازی‌های به‌یادماندنی تا دیالوگ‌های تامل‌برانگیز و البته داستانی جذاب که تا مدتی ذهن تماشاگر را درگیر خود می‌کند. فیلم «دفترچه امیدبخش» با کمدی جذاب و شیرینی که دارد از بردنمایی بازیگران توانمندی مانند هرلدی کوپر و جینیفر لاورنس بهره می‌برد. این فیلم در سال ۲۰۱۲ اکران شد و باید در لیست بهترین فیلم‌های کمدی دهه ۲۰۱۰ میلادی که باید تماشا کنید هم قرار بگیرد.

**خلاصه داستان:** پاتریزو

سولیتانو با همراهی مادرش از آسیابگاه روانی به خانه باز می‌گردد. او تصمیم دارد سبک زندگی خود را عوض کند و گذشته تلخی که تجربه کرده را کنار بگذارد. در این میان او با خواهر دوست‌همسر سابقش یعنی تیفانی آشنا می‌شود که اخیرا به دلیل بدهی‌های همسرش را از دست داده است. رابطه دوستانه و خنده‌داری میان آن‌ها شکل می‌گیرد که آهسته آهسته جدی‌تر می‌شود.

**روزی روزگاری**

**هالیوود**

**نمره منتقدان: ۱۸۵: ۱۰۰**

کوبیتین تاراتینو یکی از شناخته‌شده‌ترین کارگردانان هالیوود

**نمره منتقدان: ۱۹۳: ۱۰۰**

است. بسیاری از منتقدان اعتقاد دارند نگاهی که تاراتینو به سینما ارائه کرد، باعث انقلابی بزرگ در سینما شد. داستان‌نهمین فیلم بلند او که به دومین فیلم پرفروش او هم تبدیل شده در سال ۱۹۹۹ و در استودیوهای سینمایی هالیوود روایت می‌شود. زمانی که یک بازیگر که دوران طلایی‌اش رو به پایان است، تلاش می‌کند با همکاری دوستان صمیمی‌اش به اوج بازگردد. اگر چه همه فیلم‌های تاراتینو رنگ و ریشه‌های کمدی دارند اما «روزی روزگاری در هالیوود» یکی از بهترین فیلم‌های کمدی دهه ۲۰۱۰ میلادی است که باید تماشا کنید.

**خلاصه داستان:** بازیگری به نام

ریک دالتون حرفه خود را با حضور در آثار تلویزیونی آغاز کرده و عمده شهرت خود را با مدیون یک سریال وسترن بوده که از اواختر دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۶۰ پخش می‌شده اما حالا وارد دوران سقوط کارنامه هنری‌اش شده و نه تنها فرصت‌های کاری به او پشت‌گرم کرده‌اند بلکه وضعیت مالی هم کاران را قاتل کرده‌اند. در چنین شرایطی دوست صمیمی او، کلیف، تنها هم‌دم زندگی او لقب می‌گیرد. کلیف در حقیقت بلدکار همیشگی ریک در آثار مختلف بوده و روزگاری در ارتش خدمت کرده است.

**هفت‌روانی**

**نمره منتقدان: ۱۸۳: ۱۰۰**

این کمدی سیاه‌و‌سپاه‌هایی از ژانر جنایی یکی از فیلم‌هایی بود که ثابت کرد ما تین‌مک‌دوناکارگردان صاحب‌سبکی در دنیای کمدی‌های تاریک و سپاه‌است. «هفت‌روانی» با ریتم تندای داستان‌ش را روایت می‌کند، شخصیت‌های دوست‌داشتنی متعددی دارد و حوادث را مانند تارنجکی در دستان تماشاگرش منجر می‌کند. بنابراین این فیلم همه ویژگی‌های اصلی یک کمدی سیاه‌و‌سپاه را درون خودش جای داده تا به یک شاهکار ارزشمند تبدیل شود. این فیلم که در سال ۲۰۱۲ اکران شد را باید در لیست بهترین کمدی‌های دهه ۲۰۱۰میلادی قرار داد.

**خلاصه داستان:** نویسنده‌ای به نام

نام‌مارتی نوشتن فیلم‌نامه‌ای جنایی را آغاز کرده اما در پیش‌بردن داستان می‌شود از زندگی در شهرهای شلوغ و بزرگی مانند نیویورک نداد. بنابراین تحت تأثیر جذابیت‌های نیویورک قرار می‌گیرد و اندکی دچار خودباختگی می‌شود. اما او دوست تازه‌ای پیدا می‌کند که نگاه متفاوتی به زندگی دارد. مسیر زندگی تریسی با شوخی‌ها و سرگرمی‌های دوست جدیدش تحت تأثیر تبلیغات حکومتی

**عزیز آمریکایی**

**نمره منتقدان: ۱۸۲: ۱۰۰**

کمدی درام‌های آمریکایی‌قاعدتا نباید برای بخش قابل توجهی از مردم جهان قابل درک باشند. مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه و فرهنگ آمریکا که بیشتر برای مردم همین کشور قابل درک است، برای بسیاری از مردم جهان گنگ و نامفهوم به نظر می‌رسد. اما فیلم «عزیز آمریکایی» به لطف داستان‌گویی جذابی که خلق می‌کند در تبدیل شدن به یک کمدی جذاب که برای همه مردم دنیا دیدنی به نظر می‌رسد، موفق ظاهر می‌شود.

**خلاصه داستان:** تریسی دختری

است که به تازگی وارد سال اول دانشگاهی در نیویورک شده است. این دانشجوی تنهای سال اولی، تجربه زیادی از زندگی در شهرهای شلوغ و بزرگی مانند نیویورک ندارد. بنابراین تحت تأثیر جذابیت‌های نیویورک قرار می‌گیرد و اندکی دچار خودباختگی می‌شود. اما او دوست تازه‌ای پیدا می‌کند که نگاه متفاوتی به زندگی دارد. مسیر زندگی تریسی با شوخی‌ها و سرگرمی‌های دوست جدیدش تحت تأثیر تبلیغات حکومتی

**جو جو خرگوشه**

**نمره منتقدان: ۱۸۰: ۱۰۰**

داستان درگیری نازی‌ها و یهودی‌ها همیشه یکی از موضوعات موردعلاقه‌ی کارگردانان بوده و این موضوع برای هالیوود هم هرگز قدیمی نمی‌شود. در شرایطی که به نظر می‌رسید «جو جو خرگوشه» یک روایت تکراری و فاقد خلاقیت باشد اما فیلم ثابت کرد حرف‌های جالبی دارد. این کمدی سیاه‌و‌سپاه و دوست‌داشتنی زوال حکومت هیتلر را به نمکی‌ترین حالت ممکن به تصویر می‌کشد. اسما از آن‌جایی که حکومت آلمان نازی جنایت‌های بسیاری کرده، نمایش این صحنه‌های زشت تاریخی کمدی سیاه و تاریکی رارقم می‌زند که به‌صورت لایه لایه در داستان فیلم پیش‌کش شده است.

**بنابراین با تماشای «جو جو**

خرگوشه» در حالی که در آستانه خفشدن از شدت خنده‌های انفجاری هستید، ناگهان ناراحت می‌شوید و اشک می‌ریزید. این فیلم یک کمدی سیاه‌سستی نیست اما دلپلی هم برای شوخی نکردن با جنایت‌های احمقانه «جو جو خرگوشه» را در لیست بهترین فیلم‌های دهه ۲۰۱۰ میلادی قرار داد. **خلاصه داستان:** پسرکی ساده و مهربان تحت تأثیر تبلیغات حکومتی



آلمان نازی، عاشق هیتلر شده است. اما تصور از او هیتلر، به انسانی خیالی در ذهنش محدود می‌شود.

**پسرهای خوب**

**نمره منتقدان: ۱۷۹: ۱۰**

کمدی‌هایی که درباره نوجوانان و کودکان ساخته می‌شوند، معمولا همه‌پسندنیستند. این فیلم‌ها نمی‌توانند مخاطب بزرگسال را جذب کنند. اگر چه «پسرهای خوب» از روش همه‌گنجایش‌های کمدی‌گونه آن باعث شده یکی از بهترین فیلم‌های دهه ۲۰۱۰ میلادی در ژانر کمدی باشد. تماشای ثانیه به ثانیه این فیلم بالحظات جذاب و هیجان‌انگیزی همراه است که برای مدت‌ها در ذهن تماشاگر باقی می‌ماند.

**خلاصه داستان:** جردن بلفورت،

یک دلال سخت‌کوش است که تلاش می‌کند زندگی‌اش را درگون کند. اما دوشنبه سیاه بازار زندگی او را برای همیشه تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال بلفورت خسته نمی‌شود و این بار تصمیم می‌گیرد وارد بازار سهام کارشز شود. ایده کلی جردن بلفورت و دوستانش کلاهبردانه به نظر می‌رسد و به همین دلیل مسیر طولانی‌تر و تومنداشدن را خیلی سریع طی می‌کنند. با رسیدن به ثروت بی‌پایان به معنای آن نیست که جردن و همکارانشش برای همیشه در امان هستند

**خلاصه داستان:** گروهی از

پسرپچه‌های بازیگوش و سرهوا موفق شده‌اند یک گروه‌دستی جذاب تشکیل دهند. پسرنانی که شاید هنوز به سن بزرگسالان نرسیده باشند اما قطعاً برای بچه‌دار شدن مناسب نیستند!

**گرگ وال استریت**

فیلم «گرگ وال استریت» متفاوت‌ترین ساخته مارترین اسکورسزی، کارگردان مشهور است

**«گنجشک» به موسیقی رسید**

**گروه سینما و تلویزیون** – تمام تدوین فیلم بلند «گنجشک» به کارگردانی «سهیل کریمی»، این فیلم به مرحله موسیقی و صداگذاری رسید. «گنجشک» نخستین تجربه کارگردانی سهیل کریمی در تولید فیلم بلند محسوب می‌شود. در خلاصه داستان فیلم «گنجشک» آمده است: مدتی ست که یک زوج جوان جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، اما هیچکس از این ماجرا اطلاع ندارد. پخش بین المللی این فیلم که در آن عباس غزالی، شیدا خلیق و نهال دشتی ایفای نقش کرده‌اند بر عهده استودیو فیلمچی (@film.chi) است. بازیگران: عباس غزالی، شیدا خلیق، نهال دشتی، سهیل سامعی، ساناز آقایی، آرش عزیززی، نگار منوچهری، مرتضی زندیه، حسین خاکساری، ارشیا توکلی ... و با حضور علی باقری. عوامل این فیلم عبارت‌اند از: تهیه‌کننده: مهسا سرشکی، کارگردان: سهیل کریمی، نویسندگان: سهیل کریمی و فاطمه قره داغی، مدیر فیلمبرداری: علیرضا مجیری، تدوین: میلادفرهی، مدیر صدابرداری: سامان فرحانی، صداگذاری و اصلاح صدا: ندا محسنی، مدیر برنامه‌ریزی و دستیار یک کارگردان: بهنام مسعودی، طرح گریم: مونا جعفری، طرح صحنه: صبرا آهی (باسپاس از زهره رحمانی)، طرح لباس: لعلیار سمنی، موسیقی: آرش عزیززی، منشی صحنه: صفورا برسان، دستیار برنامه‌ریز: فرهاد فضلی، دستیار دو کارگردان: فخرالدین فیض‌اله زاده، مدیر تولید: محمد منوچهری، کاس: زهرا جمشیدی، طرح لوگو: محمد امین شیری و مشاور رسانه‌ای: آیدین نادری.

**هائیه توسلی مقابل کدام دوربین رفت؟**

**گروه سینما و تلویزیون** – فیلم داستانی «چهره به چهره» با بازی هائیه توسلی کلید خورد. فیلمبرداری فیلم «چهره به چهره» به کارگردانی بابک بهرام‌بیگی و تهیه‌کنندگی مهدی کوهیان آغاز شد. این فیلم که دومین تجربه بهرام‌بیگی است این روزها در شهر کاشان در حال فیلمبرداری است. پیش‌بینی می‌شود فیلمبرداری این پروژه تا ۴۰ روز ادامه داشته باشد. هائیه توسلی، رضا بهبودی، خیم و قار، مهتاب ثرونی، شایسته سجادی، حسام رضائیان و با حضور شبنم مقدمی بازیگران «چهره به چهره» هستند. در خلاصه داستان فیلم آمده است: سرنوشت آمده‌ها مثل خیابانهای شهر گاه در چهار راهی به هم می‌رسند و از هم عبور می‌کنند، گاهی موازی هم پیش می‌روند. گاهی هم سرنوشت مثل کوزه بن‌بستی است. بابک بهرام‌بیگی پیش از این فیلم «یک روز طولانی» را کارگردانی کرده است. مهدی کوهیان نیز پیش از این تهیه‌چند فیلم مستقل از جمله مستند سینمایی «قاضی و مرگ» به کارگردانی حسن خادمی و فیلم سینمایی «پرو» به کارگردانی بهزاد نعلبندی را برعهده داشته است. عوامل فیلم عبارت‌ند از کارگردان: بابک بهرام بیگی، نویسندگان: بابک بهرام بیگی، خسرو منصف‌شکری، مدیر فیلمبرداری: رضا تیموری، صدابردار: عرفان رضایی، مدیر برنامه‌ریزی و انتخاب بازیگر: فهیمه امن زاده، طرح گریم: مسوادیه خسروی، طرح لباس: شیده محمودزاده، مشاور فیلمنامه: کاتون‌شاهی، موسیقی: مسعود سخاوت‌دوست، طرح صدا: مهرداد ملکوتی، طرح صحنه: امیر هیوند، دستیار کارگردان: محمدحسین نژاد، مدیر تولید: خیم و قار، مشاور رسانه‌ای: نغمه‌دانش آشتیانی، تهیه‌کننده: مهدی کوهیان.

**هیو جکمن راه «پدر» را ادامه می‌دهد**

چند هفته آتی آغاز شود. درام پدر که براساس فیلمنامه‌ای از فلورین زلر و کریستوفر همپتون و به هیو جکمن ستاره ۵۲ساله استرالیایی در این فیلم نقش پدر را بازی می‌کند و ونسا کرابی و لورا درن به ترتیب در نقش اسما و کیت ظاهر خواهند شد. فیلمبرداری فیلم پسر به تهیه‌کنندگی چهره‌هایی چون این کینینگ (Iain King) و امیل شرنمن (Emile Sherman) که برای فیلم سخنرانی پادشاه جایزه اسکار گرفتند، از



**سبزی مارکت بانوی کیش**  
 📍 فاز ۳ نوبنیاد- مجتمع خدماتی آرین- غرفه یک و دو  
 ☎️ ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۵۶ - ۰۹۰۳۷۵۲۷۷۳۷  
 کیفیت را با ما تجربه کنید